

طنز بیدارگر رئیس دانا

به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت

فریبرز رئیس دانا (۱۳۲۳-۱۳۹۸)

تیراقتصادی

خسرو صادقی بروجنی



در مورد فریبرز رئیس‌دانا توصیف‌ها و تعابیر زیادی شده و می‌شود: اقتصاددان دگراندیش، روشنفکر چپ، سوسیالیست، نویسنده و مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران، کنشگر سیاسی و اجتماعی، پژوهشگر فقر و نابرابری و حتی گاه منتقد ادبی و شاعر. او در کسوت یک اقتصادخوانده با رویکرد انتقادی همه‌ی این‌ها بود.^۱ چنان‌که تا بود و تا آن‌جا که در توان داشتیم از حضورش بهره‌ها بردیم؛ در هر مراسم و سخنرانی و جشن و یادبود و گردهم‌آیی، در هر تشکل دموکراتیک و سازماندهی مدنی همواره یار و همراه کارگران، زنان و زحمتکشان بود. آنچه ما را وامی‌دارد تا با طی طریقی طولانی بر مزار او، یاد و خاطره‌اش را زنده نگاه داریم نه‌فقط جایگاه علمی و اجتماعی او و نه‌فقط همراهی و همدلی‌اش با جنبش‌های اجتماعی مترقی بلکه همزمانی این دو به‌علاوه‌ی ویژگی‌های شخصیتی اوست که همه‌ی آن‌ها هم اکتسابی نیست: صدایی رسا، قامتی افراشته، لحن و بیانی بی‌لکنت و طنز مردمی و گزنده‌ی او در دفاع از منافع واقعی زحمتکشان، از رفیق‌مان فریبرز شخصیتی ساخته بود که تا سالیان سال از ذهن و جان دوستان و نزدیکانش محو نمی‌شود.

کسانی که دستی در ادبیات دارند نیک می‌دانند که به‌جز استفاده و کاربرد درست مفاهیم و تعابیر طنز، یکی از شرایط ایجادکننده‌ی طنز موقعیت همانا ناهمخوانی فرم و محتواست. مخاطبانی که او را نمی‌شناختند احتمالاً از دکتر رئیس‌دانی خوش‌اندام شیک‌پوشی که کراوات می‌زد انتظار داشتند به اصطلاح خیلی دست‌به‌عصا و عصاقورت داده حرف بزنند؛ چیزی بگویند که نه سیخ بسوزد نه کباب و چون کسوتی دانشگاهی دارد محافظه‌کاری آکادمیک خود را بگذارد به حساب «موضع بی‌طرفانه‌ی علمی» اش و این‌که «بالاخره نظرات مختلفی وجود دارد» و هرکسی از ظن خود شد یار من!

اما همین‌که با مشت می‌کوبید روی میز، بازی قدرقدرتان روزگار را به‌هم می‌زد و با صدایی رسا می‌گفت «ما راه سوم هستیم»، انتظارشان دود می‌شد، به هوا می‌رفت و همگان را خوش می‌آمد. لبخندی از رضایت برچهره‌شان نقش می‌بست و شجاعت او را تحسین می‌کردند. تحسین جسارت او در اصل ستایش بخشی از وجود ماست که در

گذرگاه بی‌رحم زندگی زنگار گرفته و الان، امروز، اینجا کسی آرام گرفته که بخش فراموش‌شده‌ی وجود ما را بیدار می‌کند.

دکتر رئیس‌دانا در پاسخ به جزمیات پول‌گرایان که برای مخالفت با افزایش دستمزد کارگران مدام بر رابطه‌ی مستقیم مزد و تورم تأکید می‌کردند گفته بود: «یه چیزی یاد گرفتن عین طوطی همینطور برق و بلا می‌گن: مزد تورم میاره، مزد تورم میاره» یا در جایی دیگر در واکنش به آب در هاون کوبیدن اصلاح‌طلبان حکومتی برای مقابله با هسته‌های سخت قدرت، اصلاحات در ایران امروز را به‌سان «سوراخ کردن کوه دماوند با سوزن ته‌گرد» دانست و وقتی بسیاری از آن‌ها قلع و قمع شدند گذشته‌ی سیاسی‌شان را به یاد آورد و با طنزی تلخ و پرکنایه خطاب‌شان کرد که:

«سوزد و گرید و افروزد و خاموش شود

هر که چون شمع بخندد به شب تار کسی».

و چرا راه دور برویم، مگر همین روزها نبود که خاطره‌ی دادگاه و رویارویی‌اش با قاضی‌القضات دادگاه انقلاب دست به دست می‌شد؛ مستی و زنا و آلت جرم! از زندان که آزاد شد، آمد دانشگاه تا از من و پایان‌نامه‌ام دفاع کند. دوران «هدفمندی یارانه‌ها» بود و سخنان مخالفان و موافقان. همین که نشست با بیانی تکراری و نخ‌نما به او گفتند «اصل این سیاست درست است و لابد روش اجرایش ایراد دارد». صریح و بی‌پرده ماهیت دولت آن روز را پیش کشید. آن دست‌های آلوده. و پاسخ شنید که «آقای دکتر چایی‌تان سرد نشود». یعنی که به‌صلاح نیست بحث را ادامه دهیم.

همین بیان دلنشین، طنز، ساده، بی‌طمطراق و ملموس‌اش برای عادی‌ترین مردم بود که موجب شده بود خیلی‌ها که در تمام عمرشان حتی اسمی هم از سوسیالیسم و مارکسیسم نشنیده بودند مجذوب کلامش شوند و مجاب شوند که حق با اوست؛ با لبخندی از سر رضایت و جسارتی در دل که هر خموده‌ی به خواب‌رفته‌ای را بیدار می‌کرد و هر ناامید بی‌اعتمادنفسی را امیدوار که «نومیدمردم را معادی مقدر نیست». در مورد طنز فریبرز رئیس‌دانا کمتر صحبت شده که برخی گمان می‌کنند جهت و غایت طنز صرفاً خنداندن است؛ غافل از آنکه بسیاری از بزرگان ادبیات ایران و جهان

آن را ابزاری می‌دانند برای نفوذ سهل و همدلانه‌ی کلام و مفهوم در جان و دل مخاطب به قصد بیداری و حرکت.

سخن به دارازا نکشد که اشاره‌ای کافی است، باری امروز در زیر تلی از خاک کسی آرام گرفته که باردیگر برایمان اثبات می‌کند انسان در جسم خود فانی اما در کارش مانی است.

مرگ آمد، ما کم‌شمار شدیم

شما آمدید، پرشمار شدیم

راه‌گیران هم آمدند.

اما گمان می‌کنم

صدای اختران از زیرخاک

رعد و برق خواهد شد. (فریبرز رئیس‌دانا)

^۱ متن حاضر به‌مناسبت گردآمدن جمعی از یاران فریبرز رئیس‌دانا بر مزار وی، همزمان با پنجمین سالگرد درگذشت او در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۴۰۳، تهیه شده است.